



صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران
معاونت سياسي

اداره پژوهش های سياسي

پژوهش
خبري

وظايف مهم تشکل های دانشجويي از نگاه رهبر معظم انقلاب

به مناسبت روز دانشجو

فرآورده های خبري و توليدات پژوهشي در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سايت خبرگزاری صداوسیما (سرويس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبري صداوسیما <https://telegram.me/pajooheshkhabar>

– پژوهشگر: امید جلوداريان

□ مقدمه

در این پژوهش وظایف مهم تشکل های دانشجویی از نگاه رهبر معظم انقلاب و محورهای مرتبط با آنها گردآوری و به استناد عین عبارات آورده شده است.

رهبر معظم انقلاب سیزده توصیه و وظیفه برای تشکل های دانشجویی بر می شمارند که یکی از مهم ترین آنها "حضور جسمانی و فکری دانشجویان در صحنه" است. رهبر انقلاب در این باره بر لزوم آگاه شدن دوستان و دشمنان انقلاب از مواضع مهم دانشجویان، لزوم ابراز عقیده دانشجویان، لزوم برگزیدن رویکرد تهاجمی و فعال دانشجویان در جنگ نرم، لزوم روشن، مستدل و به هنگام بودن مواضع دانشجویان و تاثیر گذاشتن عقاید انقلابی و محکم دانشجویان در روحیه دشمن تاکید می کنند.

وظیفه مهم دیگری که رهبر معظم انقلاب برای تشکل های دانشجویی بر می شمارند و بر آن تاکید می کنند "تبیین کردن مسائل و گفتمان سازی از این طریق" است. ایشان در این باره به "اساس تبیینی تفکر اسلامی" و لزوم تبیین موضوعاتی مانند "اقتصاد مقاومتی، پیشرفت های علمی، ارتباط با آمریکا، سبک زندگی ایرانی - اسلامی و فرهنگ" اشاره می کنند.

"افزایش دادن آگاهی های سیاسی و دینی" توصیه و وظیفه مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاب خطاب به تشکل های دانشجویی مطرح می کنند. ایشان "کتاب خوانی"، "شنیدن از برجستگان حوزوی و دانشگاهی"، "برگزاری تورهای علمی" و "برپایی کرسی های آزاداندیشی" را در این باره پیشنهاد می دهند.

رهبر معظم انقلاب همچنین به تشکل های دانشجویی درباره "گسترش مخاطبان" توصیه و بر "اخلاق داشتن"، "صبر و حوصله داشتن"، "شنیدن حرف مخالف"، "تسلط بر مطلب" و "تلاش برای اقناع مخاطب" تاکید می کنند.

وظیفه مهم دیگری که رهبر معظم انقلاب برای تشکل های دانشجویی بر می شمارند "صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی" است. ایشان در این باره نظام اسلامی را مایه افتخار و شرف می دانند و تاکید می کنند دفاع از نظام به معنای دفاع از رهبری نیست بلکه به معنای مجموعه ارزش های در هم تنیده نظام است.

"گسترش اردوهای جهادی"، "دنبال کردن سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه و عمل"، "تقویت گفتمان های اصلی"، "تشکیل جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی"، "پرهیز از متهم کردن دیگران به ضدانقلابی بودن"، "هم افزا بودن با دیگر تشکل های انقلابی"، "نگاه راهبردی به انقلاب" و "گسترش هیئت های دانشجویی" وظایف دیگری است که رهبر معظم انقلاب برای تشکل های دانشجویی بر می شمارند.

الف - نمودار کلی شاخص‌های محوری:

وظایف تشکل‌های دانشجویی

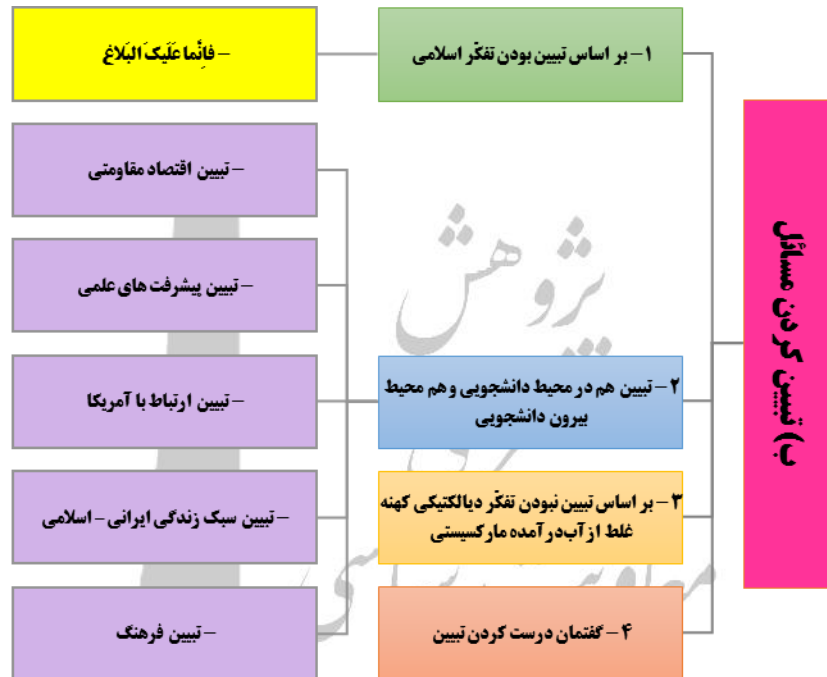
- الف) حضور جسمانی و فکری در صحنه
- ۱- لزوم آگاه شدن دوستان و دشمنان انقلاب از مواضع مهم دانشجویان:
 - استفاده از نشریات دانشجویی
 - استفاده از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه
 - برگزاری اجتماعات قانونی
 - ۲- لریاز عقیده دانشجویان، لازمه افسری جنگ نرم
 - ۳- برگزیدن رویکرد تهاجمی و فعال دانشجویان در جنگ نرم
 - ۴- لزوم روشن، مستدل و بهنگام بودن مواضع دانشجویان
 - ۵- تأثیر گذاشتن عقاید انقلابی و محکم دانشجویان در روحیه دشمن
- ب) تبیین کردن مسائل
- ۱- بر اساس تبیین بودن تفکر اسلامی
 - **فَأَيُّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ**
 - ۲- تبیین هم در محیط دانشجویی و هم محیط بیرون دانشجویی
 - تبیین اقتصاد مقاومتی
 - تبیین پیشرفت‌های علمی
 - تبیین ارتباط با آمریکا
 - تبیین سبک زندگی ایرانی - اسلامی
 - تبیین فرهنگ
 - ۲- بر اساس تبیین نبودن تفکر دیالکتیکی که نه غلط از آب درآمده مارکسیستی
 - ۴- گفتن درست کردن تبیین
- ج) افزایش دادن آگاهی سیاسی و دینی
- ۱- کتاب‌خوانی
 - ۲- شنیدن از برجستگان حوزه و دانشگاهی
 - ۳- تورهای علمی
 - ۴- کرسی‌های آزاداندیشی
- د) گسترش مخاطبان در سطح دانشجویی
- ۱- اخلاق داشتن
 - ۲- صبر و حوصله داشتن
 - ۳- شنیدن حرف مخالف
 - ۴- تسلط بر مطلب
 - ۵- تلاش برای اقناع مخاطب
- ه) صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی
- ۱- مایه افتخار و شرف بودن نظام اسلامی
 - ۲- دفاع از نظام به معنای دفاع از رهبری نیست
 - ۳- رهبری بخشی از نظام است
 - ۴- منظور از نظام، مجموعه ارزش‌های در هم تنیده نظام است
- و) گسترش اردوهای جهادی
- ۱- اردوهای جهادی، جهاد به معنای واقعی
 - تمرین و خدمت و خودسازی
 - آشنایی با فضای جامعه برای خدمت به محرومان
 - ۲- اردوهای جهادی و ترغیب سرمایه‌گذاری‌های کوچک در روستاها
 - راه انداختن صنایع کوچک متناسب با روستا
- ز) دنبال کردن سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه و عمل
- ۱- تفکر و تعیین مصادیق سبک زندگی اسلامی ایرانی
 - ۲- عمل کردن دانشجویان به مصادیق
 - ۳- انتشار مصادیق به شکل دستورالعمل
- ح) تقویت گفتن‌های اصلی
- ۱- گفتن عدالت
 - ۲- گفتن اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی
 - ۳- گفتن پیشرفت ایرانی اسلامی
 - غلط بودن مبانی توسعه غربی
 - ۴- گفتن شتاب در یافته‌های علمی
- ط) تشکیل جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی
- ۱- تشکیل کمیته‌های عمومی دنیای اسلامی در ضدیت با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی
 - ۲- به وجود آوردن جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام در فضای مجازی
- ی) پرهیز از متهم کردن دیگران به ضدانقلابی بودن
- ۱- انقلابی بودن معیارهایی دارد
 - ۲- انقلابی گری مرآتی دارد
- ک) هم افزا بودن با دیگر تشکل‌های انقلابی
- ۱- تحمل مخالف
- ل) نگاه راهبردی به انقلاب
- ۱- تفکر برای آینده انقلاب
 - ۲- دنبال کردن تصویر آرمانی آینده انقلاب
- م) گسترش هیئت‌های دانشجویی

ب) نمودارها به تفکیک:

۱- حضور جسمانی و فکری در صحنه



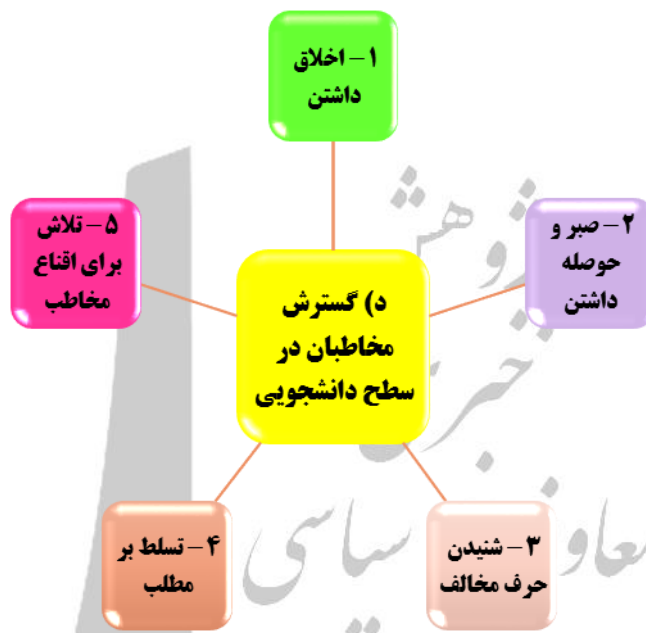
۲- تبیین کردن مسائل



۳- افزایش دادن آگاهی سیاسی و دینی



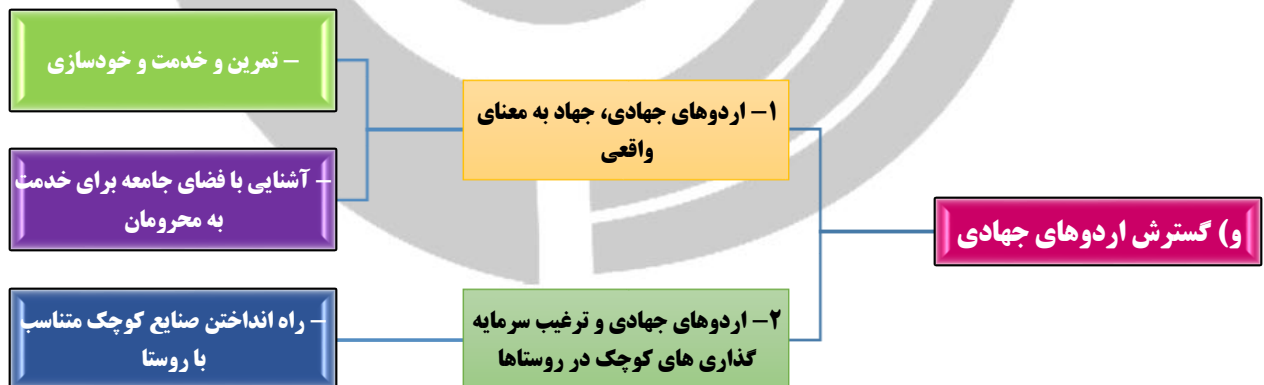
۴- گسترش مخاطبان در سطح دانشجویی



۵- صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی



۶- گسترش اردوهای جهادی





ح) تقویت گفتمان‌های اصلی

۴- گفتمان شتاب در یافته‌های علمی	۳- گفتمان پیشرفت ایرانی اسلامی - غلط بودن مبانی توسعه غربی	۲- گفتمان اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی	۱- گفتمان عدالت
----------------------------------	--	---------------------------------------	-----------------

۹- تشکیل جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی



۱۰- پرهیز از متهم کردن دیگران به ضدانقلابی بودن

۲- انقلابی‌گری مراتبی دارد

۱- انقلابی بودن معیارهایی دارد

۱۱- هم افزا بودن با دیگر تشکلهای انقلابی

۱- تحمل مخالف

ک) هم افزا بودن با دیگر تشکلهای انقلابی

۱- تفکر برای
آینده انقلاب

ل) نگاه راهبردی به
انقلاب

۲- دنبال
کردن تصویر
آرمانی آینده
انقلاب

۱۳- گسترش هیئت‌های دانشجویی

گسترش هیئت‌های
دانشجویی

ج - جدول شاخص‌ها و محوری به استناد اصل بیانات

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>(الف) « اولین توصیه‌ای که ما به تشکل‌ها می‌کنیم، این است که حضور داشته باشند؛ حضور. مقصود فقط حضور جسمانی نیست؛ هم حضور فکری، هم حضور بیانی - که حالا تبیین را بعداً عرض خواهیم کرد- هم احياناً حضور جسمانی آن‌وقتی که لازم باشد در مسائل اصلی کشور؛ یعنی هم دوستان انقلاب، هم دشمنان انقلاب باید مواضع شما را در زمینه مسائل مهم کشور بدانند؛ وقتی نمی‌دانند، خوب فرض کنید فلان خبرنگار اروپایی یا آمریکایی می‌آید ایران، بعد هم می‌رود به جان کوی گزارش می‌دهد، او هم می‌گوید -همین دو سه روز پیش گفت- که بله، کسانی که از ایران می‌آیند، به من خبر می‌دهند که جوان‌های ایرانی در کافی‌شاپ‌ها می‌نشینند، قهوه می‌خورند و راجع به آینده کشورشان حرف می‌زنند؛ دلش خوش است! حالا [اینکه] چند تا کافی‌شاپ را رفته‌اند دیده‌اند، بنده خبر ندارم؛ حالا گیرم بیست تا، سی تا، پنجاه تا کافی‌شاپ [را هم دیده‌اند] -کافی‌شاپ هم یعنی همان قهوه‌خانه؛ کافی‌شاپ تقریباً ترجمه تحت‌اللفظی قهوه‌خانه است منتها از کلمه قهوه‌خانه بعضی‌ها پرهیز می‌کنند، اسمش را می‌گذارند کافی‌شاپ- حالا چند تا جوان هم رفته‌اند در قهوه‌خانه نشستند، فرض کنید از نظام و از رهبری و از امام و از انقلاب هم بدگویی کرده‌اند و آرزو کرده‌اند که یک روزی این نظام تغییر پیدا کند. مجموعاً در این ده بیست قهوه‌خانه‌ای که این آقایان رفته‌اند و [بعد] رفته‌اند به این آقای وزیر خارجه اطلاع داده‌اند، مثلاً ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر آدم این‌جوری بوده‌اند. او حالا دلش خوش است و در یک مصاحبه یا در یک گزارش، به یک مرکز رسمی می‌گوید - همین دو سه روز بوده، من درست یادمانده، در یک گزارش این را علنی می‌گوید- و در دنیا پخش می‌شود. خوب حالا در مقابل این اگر هزاران دانشجوی مؤمن مسلمان درباره فلان مسئله‌ای که آن‌ها رویش حساسیت دارد اعلام موضع کنند، ببینید چه اثری می‌کند. بله، او منتقل نمی‌کند آن‌را، منعکس نمی‌کند اما خودش می‌فهمد. بنده بارها به اینهایی که گله می‌کنند و می‌گویند آقا، اخبار انقلابی را رسانه‌های دنیا منتشر نمی‌کنند، می‌گویم آنهایی که باید بفهمند می‌فهمند و به آنهایی که باید برسد می‌رسد. به رئیس‌جمهور آمریکا حتماً می‌رسد، به وزیر خارجه [آمریکا] می‌رسد، به اعضای شورای ارتباطات خارجی آمریکا می‌رسد، به عناصر مؤسسه فلان که سیاست‌گذار است می‌رسد؛ آنها می‌فهمند. وقتی شما به‌عنوان دانشجو مثلاً درباره برجام عقیده‌ای دارید و آن را اظهار می‌کنید، درباره فرض بفرمایید که ارتباط با آمریکا عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، درباره اقتصاد مقاومتی عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، درباره آینده کشور عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، این عقیده، عقیده‌ای است انقلابی، محکم، مستدل؛ این در روحیه‌دشمن اثر می‌گذارد. من که گفتم شما افسر جنگ نرمید، خوب اینها لازمه افسری جنگ نرم است. اینها جنگ نرم است؛ در جنگ نرم همیشه که در موضع دفاع نباید انسان قرار بگیرد، در موضع تهاجم [هم] باید قرار بگیرد؛ این تهاجم است؛ یکی از وظایف این است؛ حضور فکری؛ مواضع شما روشن باشد. حالا اینکه این مواضع گاهی برخلاف سیاست‌های دولت هاست و چه کار کنیم که معارضه با دولت‌ها به وجود نیاید، آن هم راه‌حل دارد؛ حالا اگر ان‌شاءالله رسیدیم آن‌را هم عرض می‌کنم. پس بنابراین اعلام موضع انقلابی [مهم است]. منتها در این اعلام موضع چند نکته باید مورد توجه قرار بگیرد؛ اولاً مستدل باشد. ببینید، امروز راجع به قراردادهای نفتی صحبت شد، راجع به اقتصاد مقاومتی صحبت شد، راجع به کتمان حقوق‌های فلان در مجمع تشخیص مصلحت صحبت شد؛ دقیق نبود، اطلاعات، اطلاعات دقیقی نبود. بله، کار شما که اعتراض می‌کنید، این مورد تأیید من است اما حرف حرف دقیقی نبود؛ یعنی شما مطلع نیستید. کما اینکه مثلاً فرض بفرمایید</p>	<p>الف) حضور جسمانی و فکری در صحنه</p> <p>۱- لزوم آگاه شدن دوستان و دشمنان انقلاب از مواضع مهم دانشجویان : - استفاده از نشریات دانشجویی - استفاده از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه - برگزاری اجتماعات قانونی</p> <p>۲- ابراز عقیده دانشجویان، لازمه افسری جنگ نرم</p> <p>۳- برگزیدن رویکرد تهاجمی و فعال دانشجویان در جنگ نرم</p> <p>۴- لزوم روشن، مستدل و بهنگام بودن مواضع دانشجویان</p> <p>۵- تاثیر گذاشتن عقاید انقلابی و محکم دانشجویان در روحیه دشمن</p> <p>ب) تبیین کردن مسائل</p> <p>۱- بر اساس تبیین بودن تفکر اسلامی - فَايْمًا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ</p> <p>۲- تبیین هم در محیط دانشجویی و هم محیط بیرون دانشجویی - تبیین اقتصاد مقاومتی - تبیین پیشرفت‌های علمی - تبیین ارتباط با آمریکا - تبیین سبک زندگی ایرانی - اسلامی - تبیین فرهنگ</p> <p>۳- تبیینی نبودن تفکر دیالکتیکی کهنه و غلط از آب درآمده مارکسیستی</p> <p>۴- گفتمان درست کردن تبیین</p> <p>ج) افزایش دادن آگاهی سیاسی و دینی</p> <p>۱- کتاب‌خوانی</p> <p>۲- شنیدن از برجستگان حوزوی و دانشگاهی</p> <p>۳- تورهای علمی</p> <p>۴- کرسی‌های آزاداندیشی</p> <p>د) گسترش مخاطبان در سطح دانشجویی</p> <p>۱- اخلاق داشتن</p> <p>۲- صبر و حوصله داشتن</p> <p>۳- شنیدن حرف مخالف</p>	<p>وظایف تشکل‌های دانشجویی</p>	<p>۱</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>۴- تسلط بر مطلب</p> <p>۵- تلاش برای اقناع مخاطب</p> <p>ه) صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی</p> <p>۱- مایه افتخار و شرف بودن نظام اسلامی</p> <p>۲- دفاع از نظام به معنای دفاع از رهبری نیست</p> <p>۳- رهبری بخشی از نظام است</p> <p>۴- منظور از نظام، مجموعه ارزش‌های در هم تنیده نظام است</p> <p>و) گسترش اردوهای جهادی</p> <p>۱- اردوهای جهادی، جهاد به معنای واقعی</p> <p>- تمرین و خدمت و خودسازی</p> <p>- آشنایی با فضای جامعه برای خدمت به محرومان</p> <p>۲- اردوهای جهادی و ترغیب سرمایه‌گذاری‌های کوچک در روستاها</p> <p>- راه انداختن صنایع کوچک متناسب با روستا</p> <p>ز) دنبال کردن سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه و عمل</p> <p>۱- تفکر و تعیین مصادیق سبک زندگی اسلامی ایرانی</p> <p>۲- عمل کردن دانشجویان به مصادیق</p> <p>۳- انتشار مصادیق به شکل دستورالعمل</p> <p>ح) تقویت گفت‌وگوهای اصلی</p> <p>۱- گفت‌وگوهای عدالت</p> <p>۲- گفت‌وگوهای اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی</p> <p>۳- گفت‌وگوهای پیشرفت ایرانی اسلامی</p> <p>- غلط بودن مبانی توسعه غربی</p> <p>۴- گفت‌وگوهای شتاب در یافته‌های علمی</p> <p>ط) تشکیل جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی</p> <p>۱- تشکیل کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی در ضمیمه با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی</p> <p>۲- به وجود آوردن جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام در فضای</p>	<p>یکی از دوستان راجع به نهادهای زیر نظر رهبری -حالا زیر نظر رهبری یک قدری مسامحه است، یعنی وابسته به دستگاه رهبری- مثل بنیاد مستضعفان، مثل ستاد اجرائی فرمان امام صحبت کردند. خیلی خوب، من اصلاً پیشنهاد می‌کنم گروه‌های دانشجویی تور بازبینی در مورد همین نهادها ترتیب بدهند و بروند ببینند؛ کارهای خوبی کردند، کارهای جالبی کردند؛ شما هم اگر بودید همان کارها را می‌کردید که آنها دارند می‌کنند. حالا گیرم در یک موردی یک اقدامش را شما نپسندید یا استدلالش را ندانید، اشکالی ندارد؛ کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد، این کارهای خوب را بدانید، پس موضعی که می‌گیرید موضع متقن و مستدل باشد؛ موضعی باشد که نتوانند درباره‌اش خدشه کنند. دوم اینکه بهنگام باشد. گاهی اوقات موضع‌گیری در یک مورد و یک چیزی، در یک وقت خوب است، [اما] فردایش خوب نیست؛ یعنی بی‌فایده است یا گاهی هم مضر است؛ باید حواستان باشد بهنگام این کار را انجام بدهید. تحلیل‌تان را مردم بدانند، منعکس کنید. همین نشریات دانشجویی چیز خوبی است؛ البته به شرطی که با این گزایشی که این آقای رئیس عزیز تشکیلات بیان کردند، وفادار بمانند و این استدلال‌های انقلابی شما را منتشر نکنند تا مردم اینها را بخوانند؛ یعنی واقعاً تحلیل‌های دانشجویی تحلیل‌هایی باشد که مردم مطلع بشوند. خوب، یکی از کارهای آسان به نظر من این است که در سخنرانی‌های قبل از خطبه‌های نماز جمعه یک برنامه‌ریزی بکنند، دانشجویانی که اهل حرف زدن هستند، از طرف جمع پشتیبانی بشوند، کمک بشوند، متن‌های خوبی تهیه کنند، بروند در نماز جمعه [بخوانند]. مثلاً قبل از خطبه‌های نماز جمعه -که حالا مسئولین می‌روند و صحبت می‌کنند- یک فصلی هم برای دانشجویان گذاشته بشود. فرض کنید نماز جمعه یک شهری مثل تهران، مثل اصفهان، مثل مشهد، مثل تبریز، جای کوچکی نیست؛ یک دانشجو برود آنجا حرف بزند، یک عالم مطلب بیان می‌کند؛ اینها چیزهای بارز می‌باشند؛ یا مثلاً فرض کنید [نماز جمعه] تهران. دشمن هم بداند تحلیل شما را؛ یعنی وقتی که شما تحلیل کردید حادثه را، موضع‌گیری کردید، اعلام موضع کردید، دشمن هم مطلع بشود؛ و مطلع می‌شود، او زودتر از بعضی از دوستان مطلع می‌شود. منطقی و مستدل [هم] باشد؛ این حضور فکری است. حضور جسمی -یا به قول شماها حضور فیزیکی- هم گاهی لازم است؛ اجتماعات لازم است، اجتماعات هیچ اشکالی ندارد، البته قانونی باشد. حالا یک وقت قانون یک جا ممکن است یک سخت‌گیری‌ای بکند، یک اشکالی داشته باشد، ایرادی ندارد؛ حالا بالاخره همیشه که همه چیز برطبق مراد انسان نیست؛ اجتماعات شما خوب است، اجتماع داشته باشید در مسائل مهم و به شیوه درست. اینکه مثلاً فرض کنید علیه برجام بروند جلوی مجلس شورای اسلامی اجتماع کنند، من فکر نمی‌کنم یک منطقی پشت سر این باشد؛ خوب، حالا مگر نمایندگان مجلس چقدر فرصت دارند؟ اجتماع درست این است که شما یک سالی اجازه کنید یا در اختیار بگیرید، پانصد نفر، هزار نفر، دو هزار نفر، ده هزار نفر دانشجو آنجا جمع بشوند، دو نفر سه نفر با مطالعه قبلی بروند آنجا به‌طور استدلالی حرف بزنند؛ این مهم است. این حرف، هم به گوش نماینده مجلس می‌رسد، هم به گوش نماینده دولت می‌رسد، هم به گوش نماینده رهبری می‌رسد؛ این جور اجتماعاتی مهم است. یا در قضایایی که گاهی بعضی از مجموعه‌های دانشجویی می‌خواهند خطشکنی کنند، اگر چنانچه فرض بفرمایید یک عده‌ای می‌خواهند از خط قرمزهای نظام عبور کنند و خیلی هم افتخار می‌کنند و می‌خواهند شجاعت به خرج بدهند، جلالت به خرج بدهند و از خط قرمزهای نظام عبور کنند، خیلی خوب، اینجا اجتماع جسمانی بسیار خوب است؛ البته نه به معنای اینکه بروید مجلس آنها را به هم بزنید. بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم، ده بار دیگر هم می‌گویم؛ من با به هم زدن مجلس مخالفم؛ هر مجلسی که</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>مجازی ی) پرهیز از متهم کردن دیگران به ضدانقلابی بودن ۱- انقلابی بودن معیارهایی دارد ۲- انقلابی گری مراتبی دارد ک) هم افزا بودن با دیگر تشکل های انقلابی ۱- تحمل مخالف ل) نگاه راهبردی به انقلاب ۱- تفکر برای آینده انقلاب ۲- دنبال کردن تصویر آرمانی آینده انقلاب م) گسترش هیئت‌های دانشجویی</p>	<p>می خواهد باشد. به هم زدن مجلس یک کاری است بی‌فایده و احياناً مضر؛ آفتش این است که بی‌فایده است، اکثرش این است که مضر است. چه لزومی دارد؟ خیلی خوب، آنها آنجا جلسه تشکیل داده‌اند و علیه فلان مبنای انقلابی دارند بحث می کنند؛ بسیار خوب، شما همان‌جا اعلام بکنید که فردا یا پس فردا ما در اینجا - آنها آنجا، شما اینجا یا در همان سالن - جلسه تشکیل می دهیم و درباره این موضوع بحث خواهیم کرد. دعوت کنید، دانشجویان را جمع کنید، بحث کنید، پنبه آن حرف را بزنید، تماش کنید؛ این خوب است. مخاطبینی پیدا می کنید، کسانی هستند، دانشجو بالاخره دنبال فهمیدن حقیقت است. بنابراین اجتماعات فیزیکی خیلی خوب است، اشکالی هم ندارد منتها طبق مقررات و همین طوری که گفته شد با پیش‌بینی درست. مسئولان دانشگاه‌ها هم باید کمک کنند. این را من الان به آقای دکتر فرهادی هم گفتم، قبلاً هم به آقای دکتر هاشمی گفتم، حالا به معاون آقای دکتر فرهادی هم که آمده بودند گفتم. وظیفه مسئولین دانشگاه این است که از مجموعه‌های انقلابی و متدین حمایت کنند. یعنی کسانی که با انقلاب موافق اند و در راه انقلاب حاضرند فداکاری کنند، با کسی که نسبت به انقلاب بی‌تفاوت است یا احياناً مخالف انقلاب است یکسان نیستند. شما به‌عنوان وزیر، به‌عنوان مسئول، به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی می توانید با اینها به یک چشم نگاه کنید؟ در مورد حقوق عمومی بله، حقوق عمومی شامل همه است؛ اما نمی شود شما نماینده نظام اسلامی باشید و از آن کسی که دفاع از اسلام انقلابی می کند حمایت نکنید، اولی از آن کسی که حمله به نظام اسلامی می کند یا لاقول نسبت به آن بی‌تفاوت است حمایت بکنید! نه، این قابل قبول نیست. مسئولین از مجموعه‌های انقلابی باید حمایت بکنند و این حضور را باید تسهیل کنند. پس یکی از وظایف شد حضور؛ حضور فکری و حضور جسمی. هر دو جور را شرح دادم برایتان».</p> <p>ب) «وظیفه دوم تبیین؛ تبیین. تبیین اساس کار ماست. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشود، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است. بنده در منزل یکی از دوستانمان در تهران - آن سال‌های قبل از انقلاب - نشسته بودیم. در این بین، یکی از جوان‌هایی که می‌شناختم - مشهودی بود؛ با خودش، پدرش آشنا بودیم؛ جزو چریک‌های فدائی خلق بود و جزو کسانی بود که در جنگل‌های شمال رفته بودند موضع گرفته بودند و مبارزه می‌کردند - ناگهان وارد شد، من هم خبر نداشتم. خوب، آشنا بودیم؛ آمدند نشستند؛ ظاهراً آمده بود از آن صاحب‌خانه یک کمک مالی‌ای، چیزی بگیرد. من گفتم خوب شماها چه کار می‌کنید، یک چیزهایی گفت. من گفتم شماها اگر می‌خواهید موفق بشوید، راهش این است که با مردم حرف بزنید، تبیین کنید؛ مردم بدانند شما چرا در شمال جمع شده‌اید مبارزه مسلحانه می‌کنید و در شهر مثلاً فرض کنید فلان‌جا فلان حرکت را انجام می‌دهید؛ مردم بدانند؛ تبیین کنید. یک مقداری راجع به این تبیین با او صحبت کردیم. یک نگاهی به من کرد و یک سری تکان داد - بچه بود، از ما سناً خیلی، یک ده سالی کوچک‌تر [بود] - یک نگاه «نگه کردن عاقل اندر سفیه» به ما کرد، گفت بله، این تفکر اسلامی شماست، ما تفکرمان این نیست؛ یعنی تبیین لازم نیست. این تفکر دیالکتیکی که نه فرسوده غلط از آب درآمد مارکسیستی - که حالا شنیدیم باز در دانشگاه یک عده‌ای دارند همان را دنبال می‌کنند - به آنها می‌گوید که نه، لازمه دیالکتیک و نتیجه دیالکتیک، این جنگ و دعوای بین کارگر و کارفرماست و هیچ تبیینی لازم ندارد؛ به آنها این جواری بیان می‌کنند. خوب، این غلط بودنش کاملاً تجربه شد دیگر؛ غلط درآمد از آب. خود حکومت هم که تشکیل شد بعد از شصت هفتاد سال معلوم شد که از پایه</p>

مستندات	مهم ترین محور ها	موضوع	ردیف
<p>خراب بوده، به کلی بنا فرو ریخت. حالا باز یک عده‌ای به قول فرنگی‌ها روی اسب شکست خورده دارند شرط‌بندی می‌کنند؛ روی مارکسیست باز دارند شرط‌بندی می‌کنند! نه، به قول همان جوان -که بعداً هم کشته شد- تفکر اسلامی تبیین است. فائما عَلَیْكَ الْبَلَاغُ؛ به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرف هایتان راه نظراتتان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور؛ در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله پیشرفت علمی -اینها مسائل مهم کشور است- در مسئله ارتباط با آمریکا [تبیین کنید]؛ برای خیلی‌ها روشن نیست. برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه دانشجویی تبیین کنید. چرا بنده این قدر اصرار دارم که ارتباط با آمریکا نایستی برقرار بشود حتی مذاکره، جز در مسائل مشخص و معینی که حالا اقتضای مصلحت باشد؛ علتش چیست؟ خب این یک دلیلی دارد؛ این دلیل را سیاستمدارهای حتی طرفدار با آمریکا هم یک جاهایی تأیید کردند. گفتم من، یک وقتی یکی از این آقایان رؤسای جمهور این دوره‌های مختلف، با من راجع به این قضیه بحث‌های متعددی می‌کرد در جلسات مختلف؛ بعد رفته بود در شورای عالی امنیت ملی گفته بود فلانی استدلال‌هایی دارد که من جوابی برایش ندارم. راست هم می‌گفت. بنده برای رد ایجاد ارتباط با آمریکا استدلال‌هایی داشتم که ایشان برای پاسخ به این استدلال‌ها حرفی نداشت، راست می‌گفت. استدلال‌ها استدلال محکمی است، این جور نیست که راحت بشود این استدلال را برطرف کرد، رد کرد. خب، اگر چنانچه به این استدلال‌ها رسیدید که می‌توانید برسید [آنها را تبیین کنید]. شماها دانشجویید، جوانید، فکرهای خوبی دارید، حرف‌هایی که امروز زدید، بنده را کاملاً امیدوار کرد، نه از جهت محتوای حرف‌ها، بلکه از جهت اینکه -محتواها هم خوب بود، منظوم چیز دیگر است- احساس کردم ذهن‌ها دارد کاملاً کار می‌کند؛ این برای من مهم است؛ ذهن کار می‌کند، ادبیات خوبی به کار می‌برد، این خیلی بارزش است؛ خب، این ذهنی که فعال است، بنشینند راجع به این قضیه استدلال‌های مناسب را پیدا کند، این را ترویج کند. ببینید! این یکی از چیزهای مورد تبیین است. مسئله سبک زندگی اسلامی ایرانی که ما مطرح کردیم، خب این درخور بررسی است، این را تبیین کنید، هم خودتان عملاً و هم تبیینی. مسئله فرهنگ، یکی از مسائل مهم است، این را تبیین کنید. پس بنابراین یک کار هم، وظیفه دوم هم وظیفه تبیین بود؛ این تبیین هم در محیط دانشجویی است، هم در محیط بیرون دانشجویی، همان‌طور که گفتم، مسئله نماز جمعه و امثال اینها، که اینها گفتمان درست می‌کند، اینها فکر و مطالبه عمومی ایجاد می‌کند و این خیلی بارزش است، کشور را می‌کشاند به یک سمت مشخصی، البته تداوم کاری لازم دارد، استقامت لازم دارد، درست گفتن لازم دارد، تکرار لازم دارد، ممکن است یک زمانی هم طول بکشد».</p> <p>ج) «کار سوم: سطح آگاهی سیاسی و دینی خودتان را افزایش بدهید. نگویید ما همه چیز را بلدیم، به همه چیز مسلطیم؛ نه، گاهی سطح آگاهی‌های سیاسی کم است، گاهی سطح آگاهی‌های دینی کم است. امروز امکانات فراوان است برای این معنا؛ هم در مورد سیاست، هم در مورد دین. حالا در مورد دین، مثلاً حوزه علمیه قم -حالا یکی از دوستان گله سخت و تند حسابی و جاندار از حوزه علمیه قم کردند؛ البته نصفش وارد است، نصفش وارد نیست؛ به‌طور کلی نمی‌شود رد کرد، نمی‌شود هم قبول کرد، یک اشکالاتی هم داشت- امروز ظرفیت خیلی خوبی برای تفکرات دینی‌ای که بتواند در اختیار شما قرار بگیرد، دارد. من همین چند شب پیش اتفاقاً در تلویزیون دیدم یکی از بزرگان و علمای بزرگ حوزه علمیه قم راجع به پلورالیسم، با یک بیان ساده قرآنی یک بحث بسیار خوب و کوتاهی کرد؛ چون یک عده‌ای هستند که می‌خواهند</p>			

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>پلورالیسم را به اسلام نسبت بدهند؛ چون اسلام گفته «لَنْ أَلِدِينَ ءَأْمَنُوا وَ أَلِدِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ ءَأْمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»، پس اسلام «همه‌دینی» است و به هر دینی که خواستید [عمل کنید]؛ خب این حرف غلطی است اما خب حرفی است که با تعبیرات و با شدومدو با های وهوی، مدعیانی این را چند سال ابراز می کنند، یک عده‌ای از بیچاره‌ها را هم تحت تأثیر قرار می دهند. خب، من می بینم یک عالم برجسته دینی در تلویزیون با بیان خیلی ساده و کاملاً اقناع کننده -کاملاً اقناع کننده- این منطق را رد می کند؛ خب این مغتنم است. یا یک عالم برجسته دیگری -اتفاقاً این را، در همین ایام ماه رمضان [دیدم]؛ دو شب تصادفاً تلویزیون را باز کردم؛ باز بود یعنی، من نگاه کردم- راجع به مسئله علم امام و علم پیغمبران یک بحث بسیار خوب و مقنع و روشن بیان کرد. خب اینها معلومات دینی ما را بالا می برد؛ معلومات سیاسی هم همین جور. آگاهی‌های علمی دینی و سیاسی خودتان را افزایش بدهید، کتاب‌خوانی، شنیدن از برجستگان حوزوی و دانشگاهی. توره‌های علمی؛ خیلی از شماها از پیشرفت های کشور واقعاً مطلع نیستید؛ یعنی سنتان هم اقتضا نمی کند؛ دبیرستان بودید حالا هم آمده‌اید دانشگاه، فرصت نکرده‌اید. ما دائم گفتیم نانو، شما می دانید که بله یک نانویی وجود دارد، یک کسانی هم دارند کار می کنند؛ نرفتید آزمایشگاه نانو را ببینید، نرفتید بعضی از آزمایشگاه‌های علمی را یا محصولات علمی را ببینید، نرفتید کارهای خدماتی‌ای را که بعضی از نهادهای خدماتی کرده‌اند ببینید؛ واقعاً توره‌های علمی بگذارید، بنشینید تفاهم کنید، چهل پنجاه نفر از بچه‌ها راه بیفتند بروند اینجا آنجا و ببینند. خب شما مناطق آزاد را می‌بینید غصه‌دار می شوید -حق هم دارید- اما بروید این چیزها را هم ببینید تا امیدوار بشوید، خوشحال بشوید؛ و ببینید این چیزها هم در کشور هست؛ این سطح آگاهی‌ها را بالا می برد. [ایجاد] کرسی‌های آزاداندیشی، البته همراه با حضور و راهنمایی اساتید برجسته. به نظر من این هم یک وظیفه دیگر است که وظیفه سوم است».</p> <p>(د)- «یک وظیفه دیگری برای تشکل‌ها وجود دارد و آن توسعه مخاطبان در سطح دانشجویی است؛ مخاطبانتان را افزایش بدهید. از این پنج میلیون دانشجو، تعداد کسانی که مخاطبان شما هستند خیلی کم اند، نسبتشان خیلی نسبت پایینی است؛ کاری کنید که این نسبت بالا برود؛ نمی‌گویم صد درصد، نمی‌گویم هشتاد درصد اما بالاخره نسبت را بالا ببرید. این هم راه دارد؛ راهش را پیدا کنید. شما که این قدر خوش‌فکرید، با استعدادید، باذوقید ببینید چه جوری می‌شود مخاطبان گسترده‌تری را پیدا کرد. خب، [این هم] الزاماتی دارد: باید انسان اخلاق داشته باشد، حوصله داشته باشد، تحمل شنیدن حرف مخالف داشته باشد -از این چیزها لازم است دیگر- مسلط بر مطلب باشد تا بتواند. گاهی اوقات حتی لازم می‌شود که انسان [فقط] با یک مخاطب حرف بزند؛ یعنی برای اقناع یک مخاطب. [برای] خود بنده در آن دوران‌های کذائی سخت اختناق، اتفاق افتاده بود که دو ساعت، سه ساعت با یک نفر صحبت می‌کردم سر یک قضیه‌ای که او را قانع کنم؛ گاهی با دو نفر، گاهی با پنج نفر، گاهی جلسات مکرر نوبه‌ای، گاهی همین‌طور دفعی؛ اینها چیزهایی است که اثر می‌گذارد. بنابراین مخاطبانتان را توسعه بدهید».</p> <p>(ه)- «مطلب پنجم -که این هم به نظر من لازم است- در دفاع از نظام اسلامی هیچ تقیه نکنید و صریح باشید؛ نظام اسلامی مایه افتخار است. بله، در دنیا و در داخل، کسانی هستند که بخواهند نظام اسلامی را کم‌قدر جلوه بدهند -هستند کسانی از این قبیل- اما اینها اشتباه می‌کنند و راه غلطی را دارند می‌روند؛ بعضی‌ها عمداً، بعضی‌ها هم از روی ناآگاهی. نظام اسلامی مایه شرف است، مایه افتخار است؛ دشمن شما نقص‌ها را</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>می بیند و با تکیه بر آن نقص‌ها و قصورها و کمبودها مدام می‌خواهد بزند توی سر انقلاب؛ در قبال آن نقص‌ها و کمبودها، چندین برابر پیشرفت هست، موقّیّت هست. مهم‌ترین موقّیّت این است که امروز ۳۷ سال، ۳۸ سال است که یک جبهه عظیم قدرت مادّی - از شرقی تا غربی و انواع و اقسامش - سعی کرده‌اند این انقلاب را و این ملت را و این نظام را به زانو دربیابند و نتوانسته‌اند؛ مگر این شوخی است؟ یک آخم به فلان پادشاهی پرمدّعا می‌کنند، همه‌شان به خودشان می‌لرزند و سعی می‌کنند دل طرف را به دست بیاورند؛ می‌روند، می‌نشینند، صحبت می‌کنند، می‌بندند، رشوه می‌دهند. ۳۷ سال است دارند علیه انقلاب اسلامی [کار می‌کنند]؛ کار نظامی کردند، کار امنیّتی کردند، کار جاسوسی کردند، کار فرهنگی کردند؛ هزار کار کردند، [اما] جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر شده. آقا جان! امروز جمعیت شما و کیفیت شما - مجموعه‌ای که طرف‌دار انقلابید - از اوّل انقلاب به مراتب بیشتر است؛ قبلاً شرح دادم این را. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که انقلاب یک موجود زنده است و دارد روزبه‌روز رشد می‌کند؛ این افتخارآمیز نیست؟ البتّه اینکه می‌گوییم از نظام دفاع بکنید، بعضی‌ها عادت کرده‌اند نظام را به معنای رهبری می‌گیرند؛ مثلاً در فلان قضیه، ضدّ نظام حرف زد، یعنی ضدّ رهبری، یا از طرف نظام دارد حمایت می‌شود، یعنی از طرف [رهبری] بنده مقصودم این نیست. رهبری، بخشی از نظام است؛ مراد من از دفاع از نظام به هیچ‌وجه دفاع از رهبری نیست؛ دفاع از مجموعه نظام است که مجموعه ارزش‌های درهم‌تنیده‌ای است که بحمدالله این‌جور استوار مانده. این را بدانید جوان‌های عزیز! بنیه این انقلاب خیلی قوی است؛ قدرت رویش و استعداد رویش او خیلی بالاست؛ نیرو می‌خواهد، کمک می‌خواهد، توان می‌خواهد، الحمدلله دارد. البتّه مشکلات هم هست؛ چه مشکلات داخلی، چه مشکلات خارجی. نمی‌شود [این را] بدون مشکلات فرض کرد؛ همه حوادث اصلاحی عالم، بالاخره یک مشکلاتی در پیش روی خودشان داشته‌اند؛ جمهوری اسلامی هم دارد، انقلاب اسلامی هم دارد.</p> <p>(و) - «مطلب ششم، اردوهای جهادی را توسعه بدهید، تداوم بدهید. من خوشحال شدم که این جوان آمد اینجا و از اردوی جهادی صحبت کرد و شرح داد. بله، همین حرف‌هایی که ایشان گفت، همه مورد تأیید من است؛ این اردوهای جهادی، هم تمرین است، هم خدمت است، هم خودسازی است، هم آشنایی با فضای جامعه است؛ خیلی چیز با ارزشی است. روزبه‌روز اینها را بتوانید توسعه بدهید؛ جهاد هم هست، واقعاً جهاد است؛ کار است، جهاد است، تلاش است، خدمت به محرومین است. البتّه این حرف‌هایی که راجع به روستا گفتند حرف‌هایی است که ما سال‌ها در دولت‌های مختلف، گفته‌ایم. حالا آن مطلبی که من قبل از نماز گفتم که رهبری در کارهای اجرائی نمی‌تواند دخالت کند مگر در یک موارد خاص، یک نمونه‌اش همین است؛ درباره روستاها، بنده به دولت‌های مختلف - این دولت، دولت قبل، دولت قبل او، دولت قبل او - مکرّر سفارش کرده‌ام. راه‌های روشنی هم دارد؛ حالا چند موردش را این جوان بیان کردند؛ [یکی] صنایع مناسب با روستا که اگر راه بیفتد [کارساز است]. صنایع کوچکی هست که متناسب با روستاست؛ فرض کنید باغ‌های ارومیّه مثلاً درخت‌های سیب دارد، سیب‌های اینها می‌افتد و می‌ریزد روی زمین - بنده دیدم این را - و کود می‌شود. قیمتش آن‌قدر ارزان است که برای صاحب باغ نمی‌ارزد که پول بدهد این را جمع کنند بفرستند یک جایی! [یعنی] قیمت ندارد؛ درحالی‌که اگر فرض کنید کارخانه افشهرسازی یا کمپوت‌سازی یا فلان، همان‌جا تشکیل بشود، همه این ثروت زنده می‌شود. راه‌ها این‌جوری است؛ یعنی هیچ راه پیچیده دشواری وجود ندارد؛ خیلی راه‌های آسانی است، با سرمایه‌گذاری‌های کوچک. گاهی به ما می‌گویند آقا! اگر یک شغل</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>بخواییم درست بکنیم، صد میلیون لازم دارد؛ این شغل هایی که من می گویم، صد میلیون که هیچ، گاهی ده پانزده میلیون هم لازم ندارد. [اینها] راه‌های روشنی است؛ خوب باید همت کنند و بکنند. بنابراین به نظر من اردوهای جهادی خیلی خوب است؛ پرداختن به مسئله روستاها مهم است».</p> <p>ز) - « هفتم، سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداق هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی من باب مثال در مسیره‌ها. حالا بنده در آن مثال هایی که آن دو سه سال قبل از این راجع به این قضیه زدم، مسئله پشت چراغ قرمز ایستادن را هم مثال زدم؛ همین موضوع را می شود گسترش داد؛ می شود تبیین کرد. کار شماهاست؛ کار شما جوان هاست که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، [هم] توانایی اش را دارید؛ خوب، بکنید این کارها را».</p> <p>ح) - « هشت، گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ اینها گفتمان های اصلی است؛ این گفتمان ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله، ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و درواقع اقتصاد مقاومتی نباشد اما می شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لاقلاً بخشی از آن باشد. الان ظاهراً کارهای خوبی دارد انجام می گیرد؛ آن‌طوری که به من گزارش دادند؛ نه گزارش شخص مسئولین، گزارش های بیرون از مسئولیت های مسئولین هم به من داده می شود، گزارش های نسبتاً خرسندکننده‌ای است. احتمالاً کارهای خوبی انجام بگیرد به شرطی که اینها ادامه پیدا کند. من همیشه گفته‌ام که این سلسله‌مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله‌مراتب انسانی است؛ همه انسان ها مغز دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله‌مراتب پنج شش واسطه‌ای، [اگر] یکی‌شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی گیرد. مثل یک سیم برق نیست که اگر چنانچه شما اینجا دکمه را زدی، صد چراغ روشن بشود؛ نه، این سیم های وسط همه‌شان دارای اراده‌اند، دارای عزم اند انسان ها هستند. باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال‌گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه دائمی بشود و شماها می توانید در این زمینه نقش ایفا کنید. این مسئله اقتصاد مقاومتی است، مسئله عدالت همین‌جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین‌جور است. بنده این توسعه غربی را به‌هیچ‌وجه قبول ندارم؛ پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است، اما معتقدم - نمی خواهم هم کلمه توسعه را که درواقع برگرفته از تعبیر غربی و انگلیسی است، به کار ببرم، عمداً کلمه پیشرفت را به کار می برم- این پیشرفت اسلامی ایرانی می تواند به عنوان یک گفتمان، به عنوان یک خواست عمومی مطرح بشود. شتاب در یافته‌های علمی از همین قبیل است».</p> <p>ط) - « یکی دیگر از مسائلی که به نظرم می توانید شما انجام بدهید تشکیل یک جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد یک جبهه ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی تشکیل بدهید». امروز وسیله ارتباط هم آسان است، دیگر نامه‌نگاری و پست و تلگراف و مانند اینها لازم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما اینکه در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی‌مآب‌ها یک کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدیت با سیاست های آمریکایی و سیاست های صهیونیستی. میلیون‌ها عضو وارد این مجموعه بشوند، وارد این جریان فکری بشوند و</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>برایشان خوراک تهیه کنید؛ آن وقت آنها هم برای شما خوراک تهیه می کنند، چون در دنیای اسلام هم بالاخره افکار خوب دانشجویی وجود دارد؛ یک جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام به وجود بیاورید».</p> <p>ی)- «دهمین مطلب به شما عزیزان تشکل ها این است که هرکسی را به صرف اینکه با فکر شما به طور کامل انطباق ندارد متهم به انقلابی نبودن نکنید. ممکن است کسی صددرصد با فکر شما منطبق نباشد، یک اختلافاتی داشته باشد، پنجاه درصد مثلاً منطبق باشد اما انقلابی باشد؛ انقلابی بودن بالاخره معیارهایی دارد، این معیارها در او ممکن است وجود داشته باشد؛ فوراً آدم ها را متهم به ضدانقلاب یا غیر انقلابی نباید کرد. همین طور که من روز چهاردهم خرداد در حرم حضرت امام (رضوان الله علیه) بیان کردم، انقلابی گری هم مثل ایمان است و مراتبی دارد؛ مرتبه اول، مرتبه دوم، مرتبه سوم؛ بله، بعضی از مراتب بالاتر است و بهتر است، بعضی مراتبش پایین تر است اما همه مؤمن اند، حساب مؤمن با غیر مؤمن فرق می کند، با منافق فرق می کند ولو درجاتشان درجات یکسانی نباشد».</p> <p>ک)- «یازدهمین مطلب، تشکل های انقلابی با هم هم افزا باشند. گاهی شما با هم اختلافاتی دارید؛ تشکل های انقلابی سر یک چیزهایی با هم اختلاف دارند؛ خوب داشته باشند، در عین حال با این اختلافات هم افزایی داشته باشید، نقاط مشترک را بگیرید؛ یعنی اختلافات موجب نشود که به یقه گیری و به مقابله و این چیزها بینجامد؛ این را به نظر من در محیط دانشگاه سعی کنید جا بیندازید؛ رواداری و تحمل؛ تحمل مخالف که مصداق کاملش هم این است».</p> <p>ل)- «آخرین مطلب، به انقلاب نگاه راهبردی داشته باشید؛ برای بیست سال، سی سال آینده فکر کنید همچنان که دشمن شما فکر می کند. عزیز من! شما امروز مثلاً بیست و دو سه سال است، بیست و سه چهار سال است، بیست و پنج سال است؛ بیست سال دیگر شما یک مرد چهل ساله، چهل و پنج ساله هستید و احتمالاً منشأ یک خدمت بزرگ، یک کار بزرگ در این کشور خواهید بود. نمی گویم که حتماً باید شغل دولتی داشته باشید. حالا آن خواهرمان، دختر عزیزمان مکرر گفت که اینهایی که می آیند بیرون، فکر شغل برایشان بشود؛ برای پنج میلیون دانشجو چطور فکر شغل بکنند؟ مگر می شود چنین چیزی؛ اصلاً مگر کسی که فارغ التحصیل می شود حتماً باید بیاید کارمند دولت بشود! نه، بروند بازار آزاد، بروند کار کنند، بروند کار پیدا کنند؛ البته دولت باید کمک کند شکی نیست اما این جور نباشد که حالا هرکس می آید بیرون، حتماً باید برود مثلاً فرض کنید که در یک سمت دولتی پایین یا بالا قرار بگیرد. اما بالاخره رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، نمایندگان مجلس آینده، مسئولین گوناگون آینده از میان همین شماها هستند؛ دانشجویان امروزند؛ نگاهی بکنید که شامل آن روز بشود، دنیایی تصویر بکنید که آن روز که می خواهید در آن دنیا نقش آفرینی بکنید آن دنیا را ببینید؛ یک چنین تصویری داشته باشید؛ این تصویر آرمانی را دنبال کنید».</p> <p>م)- «یک چیز دیگر هم هست، این مسئله هیئت های دانشجویی است که خیلی چیزهای پُربرکتی است؛ بنده کاملاً با این هیئت های دانشجویی موافقم؛ هم گستره مخاطبین دارد، هم با امور معنوی همراه است».</p>

پژوهش
تحری
معاونت‌سای
صدا و سیما

